



ابعاد شخصیتی دانش آموزان تیزهوش و عادی

(بررسی مطالعات)

دکتر علی فتحی آشتیانی ■

استادیار گروه روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی بقیةالله (عج) □

چکیده

این مقاله مروری است بر پژوهشهای تجربی انجام شده در مورد ابعاد شخصیتی دانش آموزان تیزهوش و عادی. سالیان درازی است که بررسی ابعاد شخصیتی افراد تیزهوش و عادی کانون توجه بسیاری از محققان بوده است.

پاره‌ای از این پژوهشگران، مسأله را به صورتی تحولی بررسی کرده و تحقیقات خود را بر مقایسه بین دانش آموزان تیزهوش و عادی مبتنی ساخته‌اند. در این حوزه، مقایسه‌هایی بین دانش آموزان تیزهوش و همسالان عادی و بین دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان عادی بزرگتر صورت گرفته است.

در این مقاله سعی شده به نتایج این مطالعات از لحاظ تصور از خود، حرمت خود، اضطراب، افسردگی و سایر ویژگیهای روانشناختی پرداخته شود.

تصور از خود

تحقیقات متعددی به مقایسه دانش آموزان تیزهوش و عادی از زوایه «تصور از خود» پرداخته‌اند. میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) مقیاس تصور از خود تنسی (۱) را در مورد دانش آموزان پایه‌های چهارم تا هشتم به کار بردند و دریافتند که دانش آموزان با بهره‌هوشی بالا آشفته‌گیهای روانشناختی کمتری در مقایسه با دانش آموزان همسن با بهره‌هوشی متوسط نشان می‌دهند، هر چند دانش آموزان عادی بزرگتر، تصور از بدن (۲) مثبت‌تری داشته، خودشان را به نحوی مثبت‌تر توصیف می‌کردند و احساس ارزش شخصی (۳) و اطمینان به خود (۴) بیشتری در مقایسه با دانش آموزان تیزهوش همسن خود داشتند. کچام و سیندر (۱۹۷۷) دریافتند که بر اساس مقیاس پیرز - هریس (۵)، کودکان با بهره‌هوش بالا در پایه‌های دوم تا چهارم، نمره‌های بالاتری در تصور از خود در مقایسه با گروه نمونه همسن دارند. مداکس، شیبیر و باس (۱۹۸۲) با استفاده از مقیاس تصور از خود پیرز - هریس، نمره‌های بالاتری برای دانش آموزان پایه ششم با بهره‌هوشی بالا به دست آوردند، ولی این نتیجه برای دانش آموزان پایه پنجم در مقایسه با دانش آموزان نمونه غیر تیزهوش همسن به دست نیامد. کلی و کلانجلو (۱۹۸۴) رابطه توانایی تحصیلی را با تصور از خود تحصیلی و اجتماعی بررسی کردند. ۱۴۵ پسر و ۱۲۱ دختر دانش آموز در پایه‌های هفتم تا نهم برحسب سطح توانایی مورد بررسی قرار گرفتند. والدین، معلمان و همسالان و دانش آموزان مزبور را در سه سطح تیزهوش، نیازمند به یادگیری ویژه و عادی تقسیم‌بندی کردند و علاوه بر آن، دانش آموزان بر اساس مقیاس تصور از خود در زمینه تحصیلی مورد ارزشیابی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که تصور از خود در قلمرو تحصیلی و اجتماعی در افراد تیزهوش به طور معناداری بالاتر از افراد عادی است. ری و همکاران (۱۹۹۲) در یک مطالعه مقایسه‌ای در مورد دانش آموزان پایه‌های هفتم تا نهم تحصیلی نتایج زیر را به دست

1. Tennessee Self - concept Scale
2. body image
3. personal worth
4. self - confidence
5. Piers-Harris self-concept scale



آوردند: سازگاری دانش آموزان مشابه است و تحت تأثیر هوش قرار ندارد. به نظر می‌رسد هوش، مسند کنترل^(۱) را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و رابطه مثبت معناداری بین هوش و تصور از خود وجود دارد و افراد تیزهوش تصور از خود بالاتری دارند.

ولی با توجه به نتایج مطالعات فوق، رز و پارکر (۱۹۸۰) گزارش می‌دهند که هیچ اختلافی بین پسران و دختران با بهره‌هوش و پیشرفت بالا در میزان تصور از خود در قلمرو تحصیلی و اجتماعی وجود ندارد. کارنز و وری (۱۹۸۱) دانش آموزان با بهره‌هوش بالا در پایه‌های چهارم تا هفتم را با همتهای عادی و با استفاده از مقیاس تصور از خود پیرز - هریس مقایسه کردند. آنها هیچ اختلافی بین نمونه‌های تیزهوش و عادی پیدا نکردند. مطالعه لوب و جی (۱۹۸۷) در مورد دانش آموزان ۹ تا ۱۲ ساله تیزهوش و عادی نیز هیچ اختلافی بین آنها در مقیاس پیرز - هریس به دست نیاورد، ولی وقتی افراد دو جنس به طور مجزا آزمایش شدند، دختران تیزهوش تصور از خود بهتری در مقیاس با دختران عادی داشتند. در صورتی که پسران تیزهوش تا اندازه‌ای رضایت از خود پایین‌تری در مقیاس با پسران عادی نشان دادند.

- 1 . locus of control
- 2 . self - esteem
- 3 . California Test of Personality (CTP)

حرمت خود

در چند مطالعه که دانش آموزان تیزهوش و عادی در مورد حرمت خود مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، دانش آموزان تیزهوش نمره‌های بالاتری در حرمت خود به دست آورده‌اند.

لهمن و اروینز (۱۹۸۱) نشان داده‌اند که کودکان مدارس ابتدایی با بهره‌هوش بالا، دارای نمره‌های بالاتری در مورد زیرمقیاسهای ارزش شخصیتی و حرمت خود^(۲) آزمون شخصیتی کالیفرنیا^(۳) هستند. بررسی مک اوین و کراس (۱۹۸۲) در مورد ۲۶۰ تیزهوش تفکیک نشده و ۱۱۵ تیزهوش و مستعد در پایه‌های تحصیلی پنجم تا هشتم نشان می‌دهد که دانش آموزان بزرگتر احساس گمنامی کمتری دارند و احساس حرمت خود آنها در مقایسه با دانش آموزان کم‌سن‌تر بیشتر است. سولانو (۱۹۸۳) در بررسی حرمت خود و تصور از خود ۲۱۶ دانش آموز پایه‌های هفتم و هشتم که در ریاضیات در سطوح عالی و متوسط قرار داشتند، ثابت کرد که سطح توانایی ریاضی تأثیر مستقیمی در حرمت خود و تصور از خود فرد دارد. در مطالعه دیگری

۵۴۷ کودک تیزهوش ۱۴ ساله با بهره‌هوش ۱۳۰ تا ۱۵۰ با ۶۸۱ کودک با بهره‌هوش متوسط در پایه‌های دوم تا هشتم در مورد حرمت خود و پذیرش گروهی با استفاده از پرسشنامه‌های اندازه‌گیری گروه سنجی و حرمت خود کوپراسمیت^(۱) مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج نشان دادند آزمودنی‌های تیزهوش وقتی سوالات، سوگیری تحصیلی داشتند، سطح حرمت خود بالاتری نشان می‌دادند (اکسلز و همکاران ۱۹۸۹).

- 1 . Cooper smith
Self-esteem
Inventory
2. anxiety
- 3 . edpression
- 4 . Scholwinski
- 5 . Manifest Anxiety
Scale
- 6.Sarson Scales of
Anxiety

اضطراب و افسردگی

تحقیقات در قلمرو اضطراب^(۲) و افسردگی^(۳) دانش آموزانی که دارای بهره‌هوشی بالایی هستند، بسیار متعددند و همه نتایج حاکی از آن هستند که سطح اضطراب دانش آموزان تیزهوش پایین‌تر از دانش آموزان عادی است.

دیویس و کنل (۱۹۸۵) دریافتند که دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم، ششم با بهره‌هوش بالا در مقایسه با دانش آموزان عادی همسن، اضطراب کمتری در مورد مدرسه دارند. اسلوینسکی^(۴) و رینولدز (۱۹۸۵) مقیاس اضطراب آشکار^(۵) را در مورد کودکان تیزهوش و عادی در سنین ۶ تا ۱۹ سالگی اجرا کردند و دریافتند که سطح اضطراب در میان دانش آموزان تیزهوش پایین‌تر از دانش آموزان عادی همسن است. در مطالعه دیگری رینولدز (۱۹۸۵) ۴۶۵ کودک تیزهوش (۶ تا ۱۱ ساله) را مورد بررسی قرار داد و آشکار ساخت که اضطراب آنها در مقایسه با افراد عادی بسیار کمتر است. بررسی دیگری نشان داد دختران تیزهوش پایه‌های چهارم تا هشتم نمره‌های کمتری در مقیاس اضطراب سارامون^(۶) در مقایسه با دختران عادی همسن داشتند، ولی هیچ اختلافی بین پسران تیزهوش و عادی وجود نداشت (میلگرام و میلگرام، ۱۹۷۶). کیلیان (۱۹۸۳) هم اختلافی بین دانش آموزان پایه‌های هفتم تا دوازدهم با بهره‌هوش و پیشرفت تحصیلی بالا با گروه همسنشان که به طور تصادفی انتخاب شده بودند، در مورد پرسشنامه



شخصیتی دبیرستان^(۱)، پیدا نکرد. ابعاد مورد ارزیابی عبارت بودند از: برونگرایی^(۲)، اضطراب، استقلال^(۳)، پیشرفت تحصیلی^(۴) خلاقیت^(۵)، نوروگرایی^(۶) و رهبری^(۷).

حالت‌های غمگینی^(۸) در نوجوانان تیزهوش و نوجوانان عادی به وسیله کایزر و برنت (۱۹۸۵) مورد مقایسه قرار گرفته است. در دانش‌آموزان با توانایی و پیشرفت بالا، علایم افسردگی، استرس، تنهایی^(۹) و خشم کمی بیشتر از نوجوانان عادی است، ولی این نتیجه معنی‌دار نیست.

مقایسه تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی

در تعدادی از مطالعات به مقایسه ابعاد مختلف شخصیت افراد تیزهوش در مقایسه با افراد عادی پرداخته شده است. بارتل و رینولدز (۱۹۸۶) افسردگی و حرمت خود را در ۱۴۵ کودک پایه‌های چهارم و پنجم با استفاده از پرسشنامه حرمت خود کوپراسمیت، پرسشنامه افسردگی کودکان کواکس^(۱۰)، مقیاس افسردگی کودک رینولدز^(۱۱) و درجه‌بندی کلی افسردگی به وسیله معلم مورد بررسی قرار داده‌اند و به نتایجی که در پی می‌آید دست یافته‌اند: در دختران تیزهوش، حرمت خود بالاتر از پسران تیزهوش است، حرمت خود پسران عادی بالاتر از دختران عادی است؛ پسران تیزهوش افسرده‌تر از دختران تیزهوش هستند، دختران عادی افسرده‌تر از پسران عادی هستند؛ معلمان دانش‌آموزان پایه پنجم را افسرده‌تر از پایه چهارم، پسران را افسرده‌تر از دختران و دانش‌آموزان عادی را افسرده‌تر از دانش‌آموزان تیزهوش درجه‌بندی کردند؛ و به طور کلی، در پسران حرمت خود پایین‌تر و افسردگی بالاتر از دختران گزارش شده است.

برودی و بن‌باو (۱۹۸۶) شاخصهای سازگاری اجتماعی و هیجانی را در نوجوانان با استعدادهای بالای کلامی یا ریاضی مورد بررسی قرار دادند. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که در دانش‌آموزان تیزهوش بالا، مسند کنترل درونی^(۱۲) بیشتر و محبوبیت عامه کمتر از دانش‌آموزان مورد مقایسه است و هیچ اختلافی در حرمت خود و افسردگی یافت نشده است. تحقیق در مورد سازگاری روانشناختی افراد تیزهوش توسط لام (۱۹۸۸) نتایج زیر را فراهم کرده است:

۱. تفاوت معنی‌داری بین کودکان تیزهوش و عادی در مورد افسردگی،

1. The High School Personality Questionnaire
2. extraversion
3. independence
4. school achievement
5. creativity
6. neuroticism
7. leadership
8. dysphoric
9. loneliness
10. Kovacs' Childrens Depression Inventory
11. Reynolds, Child Depression Scale
12. internal locus

اضطراب یا ویژگیهای شخصیتی وجود ندارد؛

۲. کودکان تیزهوش مهارتهای اجتماعی کافی دارند، ولی در برقراری ارتباط با همتاها بیم دارند؛

۳. تمایل به پیوستگی با گروه در کودکان تیزهوش کمتر است؛ زیرا بسیاری از آنها میل به رهبری دارند.

1. Nimlos- Hippen

پولانسکی (۱۹۹۰) ارتباط بین حرمت خود و اضطراب را با پیشرفت و استعداد در ۲۸ پسر و ۲۰ دختر در پایه‌های سوم تا ششم مورد بررسی قرار داد. همچنین تأثیر حرمت خود و اضطراب ۴۸ مادر و ۴۲ پدر در پیشرفت، استعداد، حرمت خود و اضطراب کودک ارزیابی شده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که دانش آموزان با پیشرفت بالا، نمره‌های اضطراب پایین‌تری در مقایسه با دانش آموزان با پیشرفت پایین داشتند. کودکان تیزهوش اضطراب فیزیولوژیک بالاتری از کودکان عادی داشتند. در بسیاری از موارد، تیزهوشان با پیشرفت پایین، بالاترین نمره‌ها و تیزهوشان با پیشرفت بالا، پایین‌ترین نمره‌ها را در اضطراب داشتند. گروههای مستعد و پیشرفته در حرمت خود، اختلافی نداشتند. سطح حرمت خود در مادران کودکان تیزهوش، بالاتر از مادران کودکان عادی است. پدران دانش آموزان با پیشرفت بالا، حرمت خود کلی بالاتری از پدران دانش آموزان پیشرفته پایین نشان دادند والدین اختلافی در اضطراب نداشتند. حرمت خود کلی پدران به طور منفی با اضطراب و به طور مثبت با حرمت خود پسران مرتبط بود. تصور از خود و علایم افسردگی در ۸۲ دانش آموز تیزهوش و مستعد پایه‌های پنجم و ششم را فلدهاسن و نیملوس - هیپن^(۱) (۱۹۹۲) مورد ارزیابی قرار دارند. نتایج نشان داد گروه تیزهوش نمره‌های بالاتری در مورد تصور از خود در مقایسه با گروه عادی کسب کردند، ولی هیچ تفاوتی بین علایم افسردگی در دو گروه مشاهده نشد.

وان (۱۹۹۲) این تصور عمومی را مورد بررسی قرار داده است که کودکان تیزهوش به علت سطح عقلی بالاتر، از مشکلات سازگاری





مصون هستند. حرمت خود، انزوای اجتماعی^(۱)، مسند کنترل، از خود بیگانگی^(۲) و اضطراب به عنوان شاخصهای سازگاری روانشناختی در ۱۳۴ نوجوان تیزهوش و ۱۳۴ نوجوان عادی به عنوان گروه کنترل در سه دبیرستان سنکاپور مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد پسران تیزهوش سازش یافته‌تر از پسران عادی هستند، ولی دختران تیزهوش سازش‌یافتگی کمتری از دختران عادی دارند. این یافته‌ها بر این نکته تأکید دارد که برخی از نوجوانان تیزهوش، در مقایسه با نوجوانان عادی، برای غمگینی و بحرانهای مختلف سازگاری، آمادگی بیشتری نشان می‌دهند.

- 1 . social isolation
- 2 . alienation
- 3 . social desirability
- 4 . California Psychological Inventory

فوک لسنگ (۱۹۹۲) کودکان تیزهوش را با کودکان عادی مقایسه کرد. وی کودکان تیزهوشی که خود را متفاوت با دیگران می‌پنداشتند (براساس برچسب تیزهوش) با کسانی که احساس تفاوت نمی‌کردند، مقایسه کرد. دانش آموزان تیزهوش در پایه‌های چهارم تا هشتم (به تعداد ۱۵۹ نفر) در موارد زیر ارزیابی شدند:

۱. آیا آنها احساس می‌کنند که با سایر کودکان متفاوتند؟
۲. آیا برچسب «تیزهوش» به وسیله خود کودکان، به وسیله دیگران و به وسیله مدرسه به احساس متفاوت بودن آنها کمک می‌کند؟
۳. حرمت خود، رگه اضطراب و محبوبیت اجتماعی^(۳) چطور؟ نتایج نشان داد کودکانی که احساس تفاوت می‌کردند، به طور معناداری ارزش خود پایین‌تر و رگه اضطراب بالاتری داشتند. در حالی که کودکانی که واجد چنین احساسی نبودند، به طور معناداری نمره‌های بالاتری در مورد مقیاس محبوبیت اجتماعی کسب کردند.

سایر ویژگیهای روانشناختی

اغلب مطالعاتی که در زمینه سازش‌یافتگی اجتماعی و ویژگیهای روانشناختی دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با دانش‌آموزان عادی انجام شده‌اند، حاکی از کسب نمره‌های بالاتر در افراد تیزهوش هستند. پورکی (۱۹۶۶) در مطالعه نوجوانان با استفاده از پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا^(۴) نشان داده است که به طور کلی، دانش‌آموزان دبیرستانی با توانایی بالا در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی با توانایی متوسط سازش یافته‌تر و دارای خصوصیات شخصیتی مطلوبتری هستند. در این مطالعه، نتایج دانش‌آموزان

تیزهوش به طور معناداری بالاتر از نتایج دانش آموزان عادی در مورد اغلب زیرمقیاسهای ۱۸ گانه پرسشنامه روانشناختی کالیفرنیا بود. بچتولد (۱۹۶۸) ارزشهای بین شخصی دانش آموزان پایه‌های هفتم، هشتم و نهم را که در ۲ درصد بالای توانایی گروه و تستهای پیشرفت قرار داشتند، مورد بررسی قرار داد. وی دریافت که دختران تیزهوش در مقایسه با دختران متوسط از نظر ارزش بازشناسی در حد پایین‌تر و پسران تیزهوش در مورد ارزش استقلال در حد بالاتری در مقایسه با پسران متوسط قرار داشتند. جاکوبس (۱۹۷۱) کودکان با بهره‌هوش بالا و متوسط را مقایسه کرده و دریافت است که کودکان تیزهوش، ظرفیت، انگیزش و علاقه بیشتری نشان می‌دهند؛ کمتر متکی به بزرگسالان و بیشتر متکی به احساسات خود هستند؛ ظرفیت بیشتری برای واکنشهای هیجانی نسبت به محیط دارند و حساسیت بیشتری نسبت به فشارهای هیجانی در مقایسه با هم‌تاهای عادی خود نشان می‌دهند.

1. social skills
2. cooperation
3. self - acceptance
4. intrinsic Motivation
5. autonomy of judgement

لهمن و اروینز (۱۹۸۱) کودکان مدرسه ابتدایی با بهره‌هوش بالا را با دانش‌آموزان با بهره‌هوش متوسط مقایسه کردند. آنها دریافتند دانش‌آموزان پایه سوم با بهره‌هوش بالا، نمره‌های بالاتری در چند زیرمقیاس آزمون شخصیتی کالیفرنیا، بویژه در مهارتهای اجتماعی^(۱) و تشریک مساعی^(۲) (همکاری) داشتند. هانگ (۱۹۸۲) بر اساس بررسی ۲۴۰ دختر و پسر تیزهوش، عادی و عقب مانده نشان داد که پسران تیزهوش نمره‌های بالاتری در ارزیابی خویش به دست آورده، در پذیرش خود^(۳) بر دختران برتری نشان می‌دهند. دیویس و کنل (۱۹۸۵) گزارش می‌دهند که دانش‌آموزان با بهره‌هوش بالا در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم، از دانش‌آموزان با بهره‌هوش متوسط در انگیزش درونی^(۴) و استقلال در قضاوت^(۵) بالاتر هستند و در اینکه رفتارشان به وسیله عوامل ناشناخته کنترل شود، پایین‌تر هستند.

تعامل اجتماعی و جامعه‌پذیری تیزهوشان تحت تأثیر جنس قرار



می‌گیرد. دختران عموماً به وسیله همسالان خود، افرادی کج خلق، دمدمی و غمگین به نظر می‌رسند. پسران تیزهوش در مقایسه با افراد عادی، بیشترین قابلیت را در جامعه‌پذیری دارند و دختران تیزهوش کمترین سطح اجتماعی بودن را نشان می‌دهند. پسران عموماً شوخ طبع و اهل مزاح هستند. پسران تیزهوش در مقایسه با پسران عادی، از لحاظ جسمانی، جذابتر به نظر می‌رسند و در قیاس با دختران تیزهوش و عادی خلایقتر، زیرکتر و کمتر پرخاشگرند (لافتینگ و نیکلز، ۱۹۹۱).

هارتی و بیل (۱۹۸۴) اختلاف میان ۲۵ دانش آموز تیزهوش و عادی پایه پنجم را از لحاظ بازخوردهای مربوط به علم مورد مطالعه قرار دادند. هر دو گروه از لحاظ نژاد، جنس، طبقه اجتماعی - اقتصادی و حرمت خود اجتماعی جور شده بودند. ابزارهای مربوط به ارزیابی مهارت‌های اساسی و توانایی شناختی اجرا شد. نتایج تحقیق نشان داد افراد تیزهوش بازخوردهای مثبت‌تری نسبت به علم در مقایسه با افراد عادی دارند، همچنین پسران باز خورد مثبت‌تری در مقایسه با دختران دارند. بازخورد مثبت تیزهوش نسبت به علم، زمینه را برای مطالعه بیشتر و گسترده‌تر در آنان فراهم می‌سازد.

فرایرسن چهارگروه از کودکان (دو نمونه تیزهوش یکی از طبقات اجتماعی - اقتصادی بالاتر و دیگری از طبقه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تر و دو نمونه معمولی با ویژگی‌های یکسان) را مورد مطالعه قرار داد. در این مطالعه، انواع مختلفی از آزمون‌های شخصیتی و آزمون‌های رغبت و اطلاعات خانوادگی جمع‌آوری شد و مقایسه‌هایی انجام گرفت تا دیده شود که آیا تفاوت‌هایی که بین چهارگروه مشاهده می‌شود، بیشتر ناشی از توانایی آنهاست یا مبتنی بر تفاوت‌های طبقاتی است. نتایج این بررسی نشان داد که وجود تفاوت بین دو گروه تیزهوش با زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی متفاوت، به بعد علایق و بازخوردهای آنها مربوط می‌شود. بعلاوه، بین گروه‌ها، هیچ تفاوت عمده‌ای در مورد ویژگی‌های جسمی وجود نداشت و در مورد آزمون‌های شخصیتی

تفاوت‌های بسیار کمی به دست آمد.

همچنین تیزهوشان طبقه بالاتر در اوقات فراغت، وقت بیشتری را صرف مطالعه می‌کردند و علاقه بسیار بیشتری به مطالعه نشان می‌دادند، در حالی که تیزهوشان طبقه پایین‌تر بیشتر به فعالیتها و ورزشهای رقابت‌آمیز گروهی علاقه‌مند بودند.

دومین سؤال عمده در این پژوهش این بود که آیا تفاوت‌های بین تیزهوشان طبقه پایین‌تر و دانش آموزان عادی همین طبقه مانند تفاوت‌هایی است که بین تیزهوشان طبقه متوسط و دانش آموزان عادی همان طبقه یافت می‌شود. پاره‌ای از نتایج به دست آمده حاکی از آن است که تیزهوشان طبقه پایین‌تر بیشتر تمایل به نواختن آلات موسیقی، دست یافتن به مشاغل عالی و مطالعه بخش خبری روزنامه‌ها دارند. (کاظمی، ۱۳۷۱).

چند تحقیق نیز اختلاف بین دانش آموزان تیزهوش و عادی را در مورد مسند کنترل نشان داده‌اند. میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) به تفاوت بین افراد نمونه از دانش آموزان پایه‌های چهارم تا هشتم دست یافته‌اند. دانش آموزان با بهره هوش بالا به طور معناداری مسند کنترل درونی بیشتری دارند و مسئولیت بیشتری می‌پذیرند. دیویس و کنل (۱۹۸۵) تفاوت بازخورد فرد تیزهوش در مقایسه با فرد عادی را نشان داده‌اند. آنها به بررسی ۵۲ دانش آموز تیزهوش و ۷۲ دانش آموز عادی در پایه‌های چهارم تا ششم پرداختند. ابزارهای اندازه‌گیری مربوط به برداشت شخصی از صلاحیت خویش، جهت‌گیریهای کلاسی، مسند کنترل و اضطراب تحصیلی بود. نتایج نشان داد گروه تیزهوش به طور معناداری از گروه عادی در قلمرو ارزشیابی شخصی از صلاحیت، احساسات مربوط به مهارت فردی و نیز ترجیح تصمیم‌گیری مستقل بالاتر بود.

لوب و جی (۱۹۸۷) به این نتیجه دست یافتند که در حد خطوط کلی، هیچ اختلافی در مورد گروه‌های تیزهوش و عادی در مورد مسند



کنترل وجود ندارد و هر چند دختران تیزهوش مسند کنترل درونی بیشتری از دختران عادی داشتند، هیچ تفاوتی بین پسران تیزهوش در مقایسه با پسران عادی یافت نشد.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه، می‌توان گفت تحقیقاتی که به مقایسه دانش آموزان تیزهوش و عادی پرداخته، یافته‌های متناقضی به دست داده است. به طور کلی، بسیاری از این پژوهشها تمایل به مطلوب نشان دادن دانش آموزان تیزهوش دارند. نتایج این مطالعات حاکی از آن است که دانش آموزان تیزهوش، سطح اضطراب پایین‌تری را نشان می‌دهند و تمایل به سازگاری در آنها بیشتر است و مشکلات روانشناختی کمتری دارند. بر اساس نتایج این مطالعات، دانش آموزان تیزهوش مستقل‌تر، انعطاف‌پذیرتر، پذیرا‌تر، با برانگیختگی ذاتی بیشتر، مهارت‌های اجتماعی و تشریح مساعی بالاتر و از لحاظ روانشناختی سازش یافته‌تر از هم‌تاهای عادی خود هستند، هر چند وقتی حوزه‌های شخصیتی ویژه‌ای مثل تصور از خود، حرمت خود و مسند کنترل مورد بررسی قرار می‌گیرد، نتایج تحقیقات دو پهلو می‌شود و تفاوت‌های باثباتی را نشان نمی‌دهد. البته در این زمینه‌ها نیز نتایج بسیاری از مطالعات بیانگر آن است که در دانش آموزان تیزهوش، تصور از خود قوی‌تر، حرمت خود بالاتر و مسند کنترل درونی بیشتر از همسالان آنهاست.

برخلاف موارد فوق، نتایج برخی دیگر از مطالعات هیچ تفاوتی بین دانش آموزان تیزهوش و عادی از لحاظ ابعاد شخصیتی مورد بحث نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد دلایل چنین نتایج متناقضی را می‌توان به نمونه‌های کوچک، خطای نمونه‌گیری و مقایسه نمونه‌های همگن با نمونه‌های ناهمگن نسبت داد.

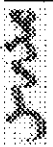
منابع

1. Bartell, N.p. & W.M. Reynolds (1986); "Depression and Self - esteem in Academically Gifted and Nongifted **Children**" **Journal of School psychology**, vol. 24, pp. 55-61
2. Brody, L.E.& C.P. Benbow (1986); "social and emotional Adjustment of Adolescents Extremely Talented in Verbal or Mathematical Reasoning" **Journal of youth and adolescence Journal**, vol. 15, pp. 1-18
3. Davis, H.B. & J.P. connell (1985); "The Effect of Aptitude and Achivement Status on the Self - esteem", **Gifted Child Quarterly (G.C.Q.)** 29 (3) , pp. 131-135
4. Eccles, A.L, E. Bauman & ;k.J. Rotenberg (1989); "Peer Acceptance and Self - esteem in Gifted Children", **Journal of Social Behavior and Personality**, vol. 4 (4) , pp. 401-409
5. Feldhusen, J.F. & A.L. Nimlos - Hippen (1992); "An Exploratory Study of Self - concepts and Depression among the Gifted ", **Journal of Gifted Educational International**, vol. 8(3) , pp. 138 - 138
6. Foglesong , T. K. (1992); "**Being labeled different**" : **Anxiety and Self - worth among the Gifted** , California State un. Fullerton, 31/04 of Masters Abstracts.
7. Kaiser, C.F. & D.J. Berndt (1985), "Predictors of Ioneliness in Gifted adolescent", **G.C.Q.** 29, pp. 74-77
8. Karnes, F.A. & J.N. wherry (1981); "Self - concepts of Gifted Students as Measured by the piers - Harris





- Children's Self - conceptscale", **Psychological Reports**, 49, pp. 903 - 906
9. Kelley, K.R. & N. colangelo (1984); "A Study of Student, Parent and Teacher Attitudes toward Gifted Programs and Gifted Students", **G.C.Q.** (sum) vol. 27 (3) , pp. 107 - 110
10. Ketcham, R. & R.T. synder (1977); "Self - attitudes of the Intellectually and Socially Advantaged Student" **Psychological Reports** 40, pp. 111-116.
11. Killian , J. (1983); "Personality Characteristics of Intellectually Gifted Secondary Students", **Roeper Review**, 5. pp.39-42.
12. Kwan, P.C. (1992); "Effects Of Intellectual Giftedness and Some Implications for Programe Planning", **Journal of Educational Psychology**, vol. 12 (1) pp. 37 - 62
13. Lehman, E.B. & C.J. Erdwins (1981); "The Social and Emotional Adjustment of Young , Intellectually Gifted Children", **G.H.Q.**, 25 (3) , pp. 134-137
14. Loeb, R.C. & G. Jay (1987); "Self - concept in Gifted Children: Differential Impact in Boys and Girls", **G.H.Q.**, 31, pp. 9 - 14
15. Lum, M.S. (1988); "Gifted Population and Adjustment", **Doctoral Research paper in psychology**, Biola university.
16. Maddus , C.D. L.M., Scheiber & J.E. Bass (1982); "Self - concept and Social Distance in Gifted children **G.C.Q.**, 26(2), pp. 77-81
17. McEwin, C.K. & A.H. cross (1982); "Acomparatives Study



- of Perceived Victimization , Perceived Anonymity , Self - esteem, and Preferred Teacher Characteristics of Gifted and Talented and Nonlabeled Early Adolescents", **Journal of Early Adolescence** (Fall), vol. 3. pp. 247-254.
18. Milgram, R.M. & N. A Milgram (1976); "Personality Characteristics of Gifted Israeli Children", **Journal of Genetic Psychology**, vol. 129, pp. 185-194.
19. Olszewki - Kubilius, P.M (1988); "Personality Dimensions of Gifted Adolescents", **C.G.Q.**, vol. 32, pp.347-352.
20. Polansky, J. (1990); **Self - esteem and Anxiety among High and Low Achieving Gifted and Nongifted Students and Their Parents** , Canada: Megill University, 30/04 of Masters Abstracts
21. Ray, S. et.al. (1992); "A Study of Self - concept , Locus of Control and Adjustment of Intellectually Superior and Normal Students", **Indiu Journal of Behavior** (Jun) vol. 16(3), pp. 24 - 29
22. Ross, A . Parker, M: (1980); "Academic and Social Self - concepts of the Academically Gifted", **Exceptional Children**, 47, pp. 6-10
23. Scholwinski , E. & C.R. Reynolds (1985); "Dimensions of Anxiety among High IQ Children", **G.C.Q.**, 29 (3) pp. 125 - 130.
24. Solano , C.H. (1993); "Self - concept in Mathematically Gifted Adolescents", **Journal of General Psychology** (jan) vol. 108 (1) pp. 33-42.